

درآمدی بر زیبایی شناسی باغ ایرانی

سید امیر منصوری

استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

amansoor@ut.ac.ir

چکیده

باغ ایرانی محصول اصیل تعامل ذهن و زندگی ایرانیان در محیط طبیعی آنان است. علیرغم سنت دیرپای باغسازی در ایران شمار کمی از متخصصان در صدد شناخت و تحلیل بنیه های نظری آن برآمده اند. این نوشته در صدد است تا زیبایی شناسی باغ ایرانی را با تکیه بر نمونه های تاریخی در اطلاق با آیین و ذهن ایرانیان در فاصله دوران تاریخی تا کنون مورد نظر قرار دهد. در این گزارش به نکاتی در زیبایی شناسی باغ ایرانی اشاره می شود که نقش اصلی در پدیدآوردن فضا را بر عهده گرفته است. چشم انداز بیکران، حضور آبه تنوع فضایی، منظره قدمی، مکان تأمل و هندسه مستطیلی از جمله آنهاست. زیبایی در باغ ایرانی بر پایه تفسیر هنرمند از مفاهیم ذهنی او آغاز می شود و در گذر زمان تحت صیقل تاریخ و محیط رنگ نوین به خود می گیرد. مفهوم زیبایی در آغاز هم پیوند با معنای خیر و مفید بوده لیکن تدریجاً با تفکیک مفهوم بسط آن، به سلیقه ای مستقل در حوزه صورت و شکل بخشی به فضا بدل شده است.

کلیدواژه

باغ ایرانی، زیبایی شناسی، منظره مثالی، فضای نمادین، منظره سازی

طرح مسئله

روش مطالعه زیبایی در باغ ایرانی به صورت اکتشافی، مبتنی بر بررسی نمونه ها و انطباق آنها با فرضیه تحقیق است. در بررسی تطبیقی آثار برجای مانده از باغ ایرانی، از قدیمترین آنها در پاسارگاد مربوط به عصر کوروش هخامنشی (قرن ششم پیش از میلاد) تا سده گذشته (دوره قاجار)، که آخرین نمونه های مبتنی بر سنت باغسازی ایرانی پدید آمده عناصر مشترکی را می توان یافت که مقدمه زیبایی شناسی باغ ایرانی را شکل می دهد. اگر چه ظهور اسلام و دگرگونی فرهنگی ایرانیان اقچه های جدید معرفتی را گشود و تغییراتی در محصولات تملک آنها ایجاد کرد، لیکن طبیعت و عناصر منظر در فرهنگ جدید محترم و آبه شمرده می شود. تغییر مفهوم آنها از «مقدس» در فرهنگ پیش از اسلام به «آبه» در دوره اسلامی، که هم جهت و دارای مراتب مختلف است، مانع ایجاد دگرگونی بنیادی در نقش منظر در باغ شده است. از اینرو زیبایی شناسی منظره در باغ ایرانی را می توان تلاوم و صورت کامل شده وضعیت نخستین آن دانست.

مقدمه

باغ ایرانی در تاریخ هنر باغسازی جهان با سبک و هویت ویژه خود شناخته می شود. اصول شکل دهنده باغ ایرانی، با عمر حداقل دو هزار و پانصد سال، که از آثار باستان شناختی برمی آید، طی دهه های معاصر موضوع نوشته های متعددی بوده است. نوشته هایی که اغلب به توصیف، تحسین و در بهترین حالت به طبقه بندی شکلی از گونه های باغ ایرانی با توجه به متغیرهای زمین، تقسیمات درونی، عناصر باغ و امثال آنها پرداخته است. نظریه مشهور «اصالت شکل چهارباغ در طرح افکنی باغ ایرانی» مشهورترین فرضیه ای است که در زمینه مبانی معنوی شکلگیری فضا و منظره سازی در باغ ایرانی ارائه شده است. با این حال این نظریه، که با اکثر نمونه های تاریخی انطباق ندارد، قادر به تبیین روند تحولات فضایی و منظره سازی در باغ ایرانی نمی باشد به نظر می رسد شرط لازم برای تبیین اصول باغسازی ایرانی بررسی سلیقه زیباشناسی ایرانیان و تبلور آن در هنر باغسازی آنها باشد. در این صورت پس از شناخت چپستی زیبایی در باغ ایرانی می توان از چرایی و اصول شکلگیری آن سخن گفت.

درون؛ پدید آوردن فضای تأمل از طریق مواجهه انسان با فضای بی انتها و ساخت و پرداخت منظره بیکران و لایتناهی در عرصه محدود تفرج، طلب نشاط، سرخوشی و رهایی از قیدهای روزمره است؛ گونه ای از رهایی و سرخوشی که امکان نگاه به درون را فراهم می آورد. ساماندهی محور اصلی از طریق ایجاد پرسپکتیوهای تشدید شونده و تکیه بر ایجاد عمق در فضا صورت می‌گیرد. خیابانی کشیده تا افق، بدنه ای از درختان که عمق دید را فراهم می آورد، جوی آب که تا انتها امتداد یافته، باغچه های پای درختان و هر عنصر دیگر در جهت تشدید پرسپکتیو ساماندهی می شود.

محور اصلی در باغ ایرانی، جان و جوهر باغ است که ابدیت، شکوه، بیکرانگی و بی نهایت را می نمایاند. احساس حضور در فضای بی انتها، سکینه و آرامشی در ناظر فراهم می آورد که اعجاب در مقابل عظمت طبیعت و امکان تأمل وی در هستی را زمینه سازی می کند. این محور بی آن که در صدد نمایش منظره ای پرداخته شده از باغ باشد، با بهره گیری از همه امکاناتی که پرسپکتیوهای مجازی و ساخته شده در فضا فراهم می آورد، چشم اندازی بی انتها به وجود می آورد که بیننده را به درون آن فرا می خواند.

این منظره حس حضور در کویر یا دریا را در انسان به وجود می آورد؛ نتیجه آن قرار یافتن ناظر و ارجاع وی به درون است. تأمل، فرآیندی شهودی است که از طریق توجه درونی برآمده از ادراک منظر بی نهایت و کمالی صورت می گیرد. باغ ایرانی، وظیفه آماده سازی و فراوری زمینه این توجه را بر عهده دارد.

ناظر در این فضا، عنصری در میان منظر است. منظر، با تشدید حالت روحانی خود و تبیین بیکرانگی، نمودی از هستی و وجود است که ناظر در میان آن غوطه می خورد. ناظر تسلطی بر منظر ندارد حتی بیگانه با منظر نیست. عضوی از آن و وابسته بدان است. درک بی نهایت، بیکران، لایتناهی، عظمت، عمق و شکوه در حالیکه ناظر جزئی از آن است، سرمستی، تعادل و پرواز روانی و روحی را برای او فراهم می آورد. نتیجه تعادل و سرمستی، رهایی از نیروهای بیرونی و آرامشی است که محرک قوای باطنی، شغف و شکوفایی ذوق انسان است. تأمل، به مثابه ابزار نگاه به درون و معن حکمت آدمی، زمینه ساز معرفت نفس است. باغ و محور بیکران آن، دریایی از بی خودی و

زیبایی در باغ ایرانی ریشه در مفاهیم اولیه انسان ایرانی از طبیعت و عناصر منظر دارد؛ مفاهیمی که بعداً ذیل نگرش اسلامی دچار تغییراتی شده است. لیکن تکرار صورت زیبا و انس جامعه با آن، اگر مدعی جدیدی برای نفی آن نباشد، زمینه ساز تشکیل و قوام سلیقه زیباشناسی اقوام است. از اینروست که می توان نمونه هایی از منظر (طبیعت گزیده) را یافت که ابداع آن متکی بر ذهن و نگاه فرهنگی ایران باستان بوده و بعداً با وجود تغییر نگرش، بدلیل تفسیرپذیری و عدم تضاد با نگاه جدید به حیات خود ادامه داده است.*

فرضیه

زیبایی در باغ ایرانی در ابتدا همراه با مفاهیم خیر و مفید به صورت بسط و یکجا معنا می شده است. از اینرو اثر مولفه های ذهنی و محیط زندگی ایرانیان در طول تاریخ همچون دین، آیین، فرهنگ، قدسیت، اقلیم و عملکرد در آفرینش زیبایی در باغ ایرانی غیر قابل اغماض است. در طول تاریخ زیبایی به سامانه ای با ویژگیهای شکلی مستقل بدل گردید، در حالیکه تعامل مولفه های پیش گفته در صورت بخشی به سامانه جدید غیر قابل اغماض است. محصول تعامل عوامل یاد شده نظامی از زیبایی شناسی دوگانه است: از یک سو مبتنی بر ادراک محسوس و لذت آفرینی برای حواس انسان است؛ و از سوی دیگر شخصیتی نمادین و نشانه ای دارد.

عناصر مشترک زیباسازنده در باغ ایرانی

۱. چشم انداز بیکران

در باغ ایرانی، محوری وجود دارد که در طول بزرگتر آن کشیده شده است. این محور ستون فقرات باغ و مکان استقرار عناصر مهم کارکردی و شکل دهنده منظره اصلی آن است. ساماندهی محور، علیرغم عملکرد آن به عنوان مکان استقرار عناصر باغ، مبتنی بر نقش کارکردی آن نبوده و ایجاد فضایی وحدت دار، که منظره در آن اصالت دارد مد نظر است. در این اقدام بیش از مکانیابی عملکردها ایجاد فضا و منظره ای خاص که «حال» ویژه باغ ایرانی را تولید کند هدف گیری می شود؛ برپلن از بیرون و توجه به

* این سرنوشت به دلیل تفسیر متفاوت تصویر انسانی در فرهنگ ایران باستان و اسلام برای شمایل نگاری در هنر تزئینی ایران رخ نمانده است.

سندج و اثل گلی تبریز شاهد این مدعاست. چنانچه دسترسی به منابع آب زیاد باشد، کوشک و نظرگاه اصلی باغ به میان آن نقل مکان می‌کند حسرت آب در اقلیم پرآب بی‌معنست. از اینرو نقش معنوی آب، که مهمتر از عنصر مادی تأمین شرایط آسایش است، در باغ ایرانی مطرح می‌شود.

در هنر باغسازی ایرانی زیبایی فضای بدون آب محقق نمی‌شود. برخی محققان بر این عقیده‌اند که حضور آب نتیجه تجسم بخشیدن به وصف قرآن از بهشت توسط مسلمانان است. (کلارک، ۱۳۸۰) بی‌آنکه بتوان تأثیر صفات منظرین بهشت به روایت قرآن را بر سلیقه زیباشناسی ایرانیان کم‌اهمیت انگاشت، باید به وجود نمونه‌های تاریخی پیش از اسلام از باغسازی اشاره کرد که حاکی از وجود و اهمیت آب و منظرآرایی آن در ساخت باغ است. باغ‌های پاسارگاد با جویهای آبی که قلمرو و میانه کاخها را تبیین می‌کنند، آبناهی کوچک مشابه آن در برابر کاخ خشیارشا در تخت جمشید و ساماندهی فضاهای قدسی ساسانیان در برابر سرباهای بیستون و طاق بستان موید نقش پراهمیت آب در ساخت باغ و ساماندهی منظر آن است.

افسانه‌های آبه‌الیه آناهیتا و تعبیر قرآن، که آب را منشأ حیات و عامل طهارت و پاکی دانسته، معنایی توأم با قدسیت برای آب ساخته که تفکیک آن از عنصر آب در ذهن ایرانی ممکن نیست. چنین معنایی زمینه ساز طرح آب به عنوان عنصر معنوی صحنه باغ ایرانی شده است. از آن پس هنرنمایی باغساز و منظره پرداز ایرانی که در لطافت ذوق و ظرافت هنر توانایی ویژه‌ای دارد به کار می‌آید تا این عنصر ارجمند را به صورتهای گوناگون متبلور و برجسته سازد. حالت‌های او و نقش‌های مختلف آب را می‌شناسد و در هر فضا از آن بهره مناسب می‌گیرد.

هنرمند باغساز ایرانی در تفسیر سستی (بسیط) خود از باغ به مثابه مکان مقدس، پیش از همه به سراغ گردآوری نمادهای قدسی می‌رود. آب در میان آنها نقش مهمتری دارد. شرافت مکان را با آبناهی در میان آن برقرار می‌سازد؛ چه، آب به شهادت الهه‌های آن عصری مقدس است. پس از آن است که گیاه به عنوان عنصر مطبوع و ستایش شده وارد فضا می‌شود. منظره سازی قدسی و حجاری‌های بیستون و طاق بستان در فضایی مرکب از آب و

بریدن از تعلقات بیرون و توجه به درون را به ارمغان می‌آورد.

اولین اقدام طراح ایرانی باغ پس از انتخاب مکان احداث باغ، که تابع منبع آب، منظر پیرامونی و زمین است، تدارک خیابان اصلی باغ است. این خیابان، که از ورودی آغاز می‌شود بخش اعظم مکان هندسی ناظر است. منظره اصلی باغ محصول ساماندهی این محور است؛ منظره‌ای که با بدنه‌های قوی قاب شده و به ناظر اجازه تماشای صحنه‌های تصادفی را نمی‌دهد. از اینروست که درک انسانها و خاطره جمعی آنها از باغ نسبتاً مشابه است. خیابان باغ «مکان» اتصال به طبیعت و حضور انسان در طبیعت است. درک ناظر از معنای «مکان باغ» بدون ملاحظه هم‌اغوشی انسان و طبیعت، یکی شدن آنها و تفسیر مشترک انسانها از طبیعتی که با نظمی هندسی پرداخت شده، ممکن نیست. خیابان، که طبیعت را در حالتی پرشکوه می‌نماید، در پاسارگاد به صورت میدانگاهی کشیده و طولانی در برابر کاخ است. در باغ شاهزاده ماهان خیابان به معبری باریکتر و طولانی بدل می‌شود. لکن در هر دو، طبیعت صاحب عظمت و معنویتی است که شایسته و بایسته است تا انسان با آن آمیخته گردد. در عین حال در هر دو آنها، بر خلاف هنر شرق که طبیعت اصیل و بدون تغییر باقی می‌ماند، منظره سازی با تفسیر و مداخله انسانی است که معنا یافته است. زیبایی طبیعت ایرانی در سازگاری آن با مداخله انسانی به دست می‌آید. بر اساس تحلیل باغ ایرانی می‌توان نتیجه گرفت زیبایی باغ زمانی حاصل می‌گردد که از تعامل انسان و طبیعت منشا گرفته باشد.

۲. حضور آب

در باغ ایرانی صورتهای مختلف حضور آب شرط زیبایی منظر است. علیرغم یک‌گمان نادرست که توجه به آب در باغ ایرانی را به اقلیم خشک ناحیه مرکزی ایران نسبت می‌دهد، تصور باغ ایرانی به مثابه یک کل بدون نقش آفرینی آبه ناممکن است. به شهادت نمونه‌های تاریخی باغهای ایران در اقلیم معتدل شمال و کوهستانی غرب آب همیشه نقشی محوری در ساخت منظره و فضای باغ داشته است. هر گاه مقدر بیشتری از آب در دسترس بوده نقش پررنگتری از آن را در ساخت منظرین باغ می‌توان دید. نقش پررنگ آب در باغ عباس آباد بهشهر، خسرو آباد

اشکفت (صخره غار گونه) گواه معنای مهمتر آب نسبت به گیاه در ذهن ایرانی باستان است. از اینروست که باغ ایرانی را می توان بیش از باغ گیاه، باغ آب نامید زیبایی به مثابه امر قدسی و هم پیوند با خیر و فایده، معلول حضور آب در فضا است. بر این اساس هنرمند باغساز ایرانی نمی تواند باغ را بدون آب، که بهره ای معنوی و آسمانی است، زیبا به شمار آورد. صورتهای گوناگون حضور آب در باغ از قبیل آب راکد، آب روان، آبشار، فواره، آبمای رنگی به عنوان نقطه درخشان و آبمای تیره به عنوان سطح انعکاس دهنده محیط تمهیداتی است که به دنبال جایگاه و نقش معنوی آب در باغ ایرانی پدید آمده است.

۳. تنوع فضایی و فضاهای مستقل

باغ ایرانی ترکیبی از فضاهای مستقل و کامل است. جز فضای اصلی باغ که بر اساس محور اصلی شکل گرفته، در نقاط دیگر آن فضاهای جداگانه ای پدید آمده که هیچ یک باقی مانده از فضای دیگر نیست. توجه هنرمند باغساز به طراحی فضای کامل از نظر هندسه فضا و عناصر موجود در آن، به نحوی که بتوان هویت جداگانه و مستقل هر یک را مخاطب قرار داد و آنها را به اسم اختصاصی خود نامید بخشی از زیبایی شناسی او را شکل می دهد. فضاهای متنوعی همچون خیابان اصلی، خیابان دور باغ، حیاط کوشک، جلوخان باغ، حیاط خلوت، شترگو و امثال آنها سامان یافته از فضای یکپارچه و کل باغ است که به صورت عرصه های مستقل با حس و روحیه فضایی خاص خود معرفی شده است. تحلیل پلان باغ ایرانی اثبات می کند که فضای منفی، به مثابه فضایی که از همجواری دو فضای اصلی به شکلی تصادفی و غیر هندسی پدید آمده باشد در آن یافت نمی شود.

علاوه بر آن هنرمند باغساز در طراحی و منظره پردازی فضاهای باغ به تنوع فضایی نظری ویژه داشته و تلاش او تا آن حد است که دو فضای مشابه راه جز درموردی که طرح ایجاد کند در باغ نمی توان یافت. از اینروست که سیر و تفرج در باغ توأم با تنوع، کشف منظره ها و درک روحیات متفاوت خواهد بود. کشش باغ ایرانی و میل قدم زدن در آن، علیرغم هندسه مستقیم الخط باغ، ناشی از تقید طراح به پدید آوردن فضاهای گوناگون است؛ استخر جلوی کوشک با درخت سایه انداز آن برای استراحت بعد از ظهر، گوشه سازی باغ در امتداد کمربندی با دیواری بلند و

فضایی محصور، که جز آسمان هیچ چیز را نمی توان دید، منظر نهایی دید در راهی فرعی که به دیواره باغ با آبمای کوچکی در برابر آن منتهی می شود، حیاطی کوچک که از میانه دیوار گنر می کند و تو را به خلوت اندرونی می رساند و فضاهای دیگری که هر یک حس ویژه خود را دارد.

۴. تعامل با طبیعت به جلی طبیعت گرایی یا طبیعت گرایی

طبیعت در باغ ایرانی نقش خاصی دارد؛ نه همچون باغهای پس از رنسانس در هراس از معنای پلید طبیعت یکسره نمادپردازانه و سمبلیک است، و نه چون باغهای شرقی محو طبیعت، ناتواریستی و بدون تعامل با انسان. ویلبر زیبایی شناسی گیاه در باغ ایرانی را طبیعت گرا عنوان کرده است. (ویلبر، ۱۳۴۸) وی این نظر را از آرایش نکردن درخت و طرح کاشت درهم گلهای استنتاج کرده است. در قیاس با اروپائیان که گیاه را در هیبت ویژه ای زیبا شمرده و آن را به صورت دلخواه تزئین می کرده اند، زیبایی شناسی منظره در باغ ایرانی را می توان طبیعت گرا دانست. لکن در مقایسه با منظره پردازی چین و ژاپن طبیعت در هنر ایران به صورت بکر مطرح نشده است. جوهر فضا در نسبت باغ ایرانی با محیط، نه چون شرق «در طبیعت» معنا می شود و نه چون غرب «بر طبیعت»؛ بلکه «با طبیعت» است.

طبیعت در باغ ایرانی زمینه ای برای لذت انسان است. مفهوم توأم با احترام آن به دلیل نقشی است که در ارتباط با انسان و پرورش او می تواند بر عهده گیرد. طبیعت برای ایرانی مسلمان وسیله ای است برای ساخت فضایی مناسب با طبع انسان. محیطی است که توان زمینه سازی پرورش قوای روحانی و دست دادن تأملات شهودی و معرفتهای قلبی را در خود نهفته دارد. زمینه ای آرام بخش برای روان انسان و مناسب برای ساخت شخصیت و وجود اوست. از اینروست که طبیعت گوهری است یکدانه که باید قدر آن را شناخت و فرصت تفریق محیط زندگی با آن را از دست نداد. در این نگاه طبیعت وسیله ای ناب است در خدمت انسان و زمینه ساز رشد او که هدف آفرینش است. طبیعت هدف زندگی نیست. اما به خاطر نقش آن در تأمین هدف انسان عنصری بی مانند به شمار می آید. از اینروست که انسان ایرانی اجازه ملاحظه در طبیعت را به خود می دهد. در عین حال حفظ آن به مثابه فرصتی برای انسانهای حاضر و آینده را نیز ضروری می داند. انسان و

باغسازی ایرانی فراهم آورد و از سوی دیگر جهان بینی اسلام، که طبیعت را منبع شناخت و عناصر آن را آیه الهی خوانده است، تعامل با طبیعت را با صورتی نوین مطرح ساخت. در نتیجه می توان نوعی از منظره سازی را در باغ ایرانی مشاهده کرد که شباهتهای صورتی با گونه نمادگرایانه عتیق خود دارد لکن فضایی شورانگیز و مناسب تأمل برای انسان و ادراکات شهودی او محسوب می شود. در این گونه از منظره سازی، محصول منظره و کارکرد آن هدف اصلی قرار می گیرد در صورتی که در منظره سمبولیستی، مقصد خود منظره است که واجد عناصر نمادین است.

۶. هندسه مستطیلی

مداخله او در طبیعت به صورت تحمیل هندسه ویژه هنر ایرانی، که منشأ آن شناخته نشده، به ساختار محیط است. باغ ایرانی در هر جا که مقذور بوده مستطیلی از زمین را به خود اختصاص داده و بی توجه به شکل محیط و اقتضای آن زیبایی شناسی خود را اعمال کرده است. برای ساخت باغ عباس آباد بهشهر، که آخرین بقایای آن متعلق به دوره صفوی است، درختان میان جنگل تراشیده شده اند تا بتوان مستطیل باغ را بر محیط تحمیل کرد عوارض زمین، توپوگرافی و سایر موانع به سادگی از میان برداشته می شوند تا نظم ویژه باغ به دست آید باغ تخت شیراز نیز مثالی دیگر از غلبه هندسه باغ بر محیط است. زمینی کوهستانی با شیب تند نیز از دسترس مستطیل عرصه باغ در امان نمی ماند در باغ شاهزاده ماهان که در میان کویر گسترده شده نیز مستطیل باغ حکم نهایی عرصه را صادر می کند. شکلگیری باغ از شکل زمین و امکانات آن متأثر نشده است. هندسه شکل کامل مستطیلی در فضاهای داخلی باغ اصالت دارد هر یک از فضاهای اصلی و فرعی یا منظره های سامان داده شده در فرم چهارگوشه معرفی می شود خطوط منحنی یا دایره شکل در سیمای باغ وجود ندارد حالتی از طبیعت که شکل بکر داشته باشد را در باغ نمی توان یافت. احتمالاً هندسه غالب مستطیلی، صورتی از منظره سازی نمادگرایانه در گذشته باغ است که به صورت سلیقه زیباشناسانه به نسلهای بعد منتقل شده است. در هر صورت نمی توان باغ ایرانی را خارج از تسلط نظام هندسه مستطیلی تصور کرد.

طبیعت در هنر باغسازی ایران شخصیت‌های مستقلی هستند که به صورت توأمان در ساخت و پرداخت منظر ایفای نقش کرده و یک سناریوی واحد را شکل می دهند. انسان با ساماندهی فضا و انتظام بخشیدن به باغ در هندسه‌ای خاص خود را مطرح می سازد و طبیعت با جلوه های گوناگون خود در آمیختگی همه جانبه با فضا نقشی پررنگ می یابد. باغ ایرانی نظم فضا و منظره خود را از انسان و ذهنیت او می گیرد و جزء فضاها با اصالت طبیعت آراسته می شوند می توان گفت باغ ایرانی نظمی دوگانه دارد: در کل و انتظام خود انسان ملر و در جزء و فضای ملموس طبیعت مدار است.

۷. منظره سازی شورانگیز (مکان تأمل)

باغ را در ادبیات امروز جهان غرب برگرفته ای از طبیعت دور افتاده از انسان در زندگی شهری حسرت بار او می شناسند (Anne Cauquelin, 1994). در این نگاه هر چه باغ دارای نشانه صریحتری از طبیعت بیرون شهر باشد محبوبتر است. در دنیایی که هنوز دورافتادگی زندگی ماشینی رواج نیافته رویکرد انسانی که در متن طبیعت زندگی می کند، به باغ قابل تأمل است. باغ برای این انسان بیش از آن که عنصری زیست محیطی باشد دارای بار معنایی است. معنای باغ از خلال ذهنیت او به دست می آید در چنین باغی منظره سازی بر اساس اسطوره ها بنیاد گذارده می شود؛ اسطوره هایی که از دل طبیعت برآمده اند باغ صحنه حضور اسطوره های آب و گیاه است. اسطوره‌هایی که در ابتدا با رویکرد نمادین باغ را می سازند یک نظریه زیانشناسی واژه باغ را مرتبط با بخ یا خدا معنا کرده است. (براتی، ۱۳۸۴) رویکرد طبیعت گرای ادیان ایران باستان علی‌الخصوص آئین مهر، که ادیان متأخر را بسیار تحت تاثیر قرار داد معانی خاصی را برای نور، خورشید، ماه، آب، کوه، غار، چشمه و عناصر دیگری از طبیعت قائل بود. طبعاً نگرش انسان عصری که جهان بینی اسطوره ای بر آن احاطه دارد، به هنگام خلق فضا در صدد به کارگیری نمادهای مقدس برمی آید. از اینرو می توان شیوه منظره سازی باغ ایرانی را در دوره های آغازین خود سمبولیستی و نماد پرزانه خواند لکن با تحولاتی که در آئین و اندیشه ایرانیان در دوره های پس از آن و بالاخص دوره اسلامی پدید آمد رویکرد نماد گرایانه دگرگون شد از سوی تکرار عناصر منظر، آنها که از طبیعت گزیده شدند زیبایی شناسی خاصی را برای

ادراکات شهودی، سازگار است. کفسازی باغ و دیواره های عناصر مصنوع با مصالح بوم آورد در حالیکه با سبزه های گیاهان در آمیخته اند منظره ساده دو رنگ باغ ایرانی را پدید می آورد غیر از این دو، آبی آسمان تنها رنگی است که در منظره باغ به چشم می خورد

منابع

- بلستی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۵، در مقدمه کتاب پژوهشی در شناخت باغهای ایرانی (شیراز) تألیف آرناپور.
- براتی، ناصر، ۱۳۸۴، مقاله ویژه باغ، باغ نظر شماره ۲.
- کلارک، امل، ۱۳۸۰، مقاله رویت بهشت مجموعه مقالات ارائه شده در اولین کنفرانس بین المللی هنر دینی، انتشارات سروش.
- ویلبر، دونالد، ۱۳۴۸، باغهای ایرانی و کوشکهای آن، ترجمه سیمین دخت صبا، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Benoit-Mechin, 1975, L'Homme et ses jardins, Albin Michel, Paris.
- Pecher, Rene, 1978, Etude des gardins historiques en Iran, ICOMOS, Paris.

۷. درون گرایی و محصوریت

باغ ایرانی اگرچه فضایی بیرونی است، لکن همیشه محصور است. یک گروه از مورخان هنر حصار باغ را ناشی از اقلیم، (باستانی پاریزی، ۱۳۶۵) گروهی متأثر از ضرورت امنیت و برخی نیز ناشی از سنت اجتماعی پرهیز از چشم زخم دانسته اند (Pecher, 1978) ارزیابی و بررسی نمونه های تاریخی عوامل مختلف موثر بر شکلگیری باغ هر سه نظر فوق را با تردید مواجه می سازد همه باغهای ایرانی صرف نظر از اقلیمی که در آن واقع شده اند محصور هستند باغ شاهزاده یا فین در میان کویر همان طور در حصار پیچیده شده که باغ صفی آباد در دل جنگل یا باغ جهان نما در شهر. در عین حال باغهای شاهان در مناطق حفاظت شده همچون عباس آباد که امنیت آن تأمین بوده نیز محصور بوده است. این شرایط محصور بودن باغ به دلایل باور چشم زخم را نیز منتفی می سازد. به نظر می رسد سنت محصور بودن باغ و منظر آن ریشه در باورهایی دارد که بیشتر از الزامات عملکردی است. تأکید هنرمند ایرانی بر محصور بودن باغ از طریق ساخت و پرداخت فضای تأمل یا ساماندهی باغ به مثابه مکانی مقدس با رعایت حرمت و انتظام ویژه اینگونه فضاها توجیه بیشتری دارد این سنت تدریجاً به عنوان جزء جدایی ناپذیر باغ ایرانی شناخته می شود و زیبایی باغ در گرو آن قرار می گیرد

۸. باغ دورنگ (بی کروم)

دامنه رنگ در باغ ایرانی بسیار محدود است. رنگهای باغ برگرفته از محیط هستند ساخته ها و معماری باغ هم رنگ با محیط اطراف و با مصالح بوم آورد پدید می آیند علیرغم آن که معماری ایران دارای تنوع رنگی زیادی در تزئینات خود است، باغسازی ایران تلاش زیادی داشته تا باغ را با دو رنگ غالب سبز و مصالح خاکی رنگ ارائه کند. روشن است که این تعبیر ناظر به رنگ آمیزی اصلی باغ بوده و تزئیناتی که به صورت نگین در معماری باغ دیده می شود مورد نظر نیست. دور شدن از نوعی رنگ آمیزی تزئینی در سیمای باغ و بسنده کردن به رنگ آمیزی طبیعی، فضایی مشابه طبیعت پیرامون باغ را برای ناظر فراهم می آورد. تشابه رنگین میان باغ و منظر محیط از جنس تعامل ویژه باغ ایرانی با طبیعت است. در عین حال آرامش رنگ آمیزی بی کروم با کارکرد باغ، به مثابه محیط تأمل و رشد